

In post-revolution Iran, since the 90s architectural competitions and particularly design competitions became popular and although specialists in the field were not satisfied with most of them and criticized the way in which they were held and judged, designers and clients were attracted more and more to competitions.

A massive volume of construction took place during those years with little regard for qualitative architectural standards which forced progressive architects to take refuge in architectural competitions, awards or a limited number of projects aimed at particular clients. As such, architecture moved towards functionalism while theoretical aspects of architecture and architectural language was neglected to a great extent. Today, even in architectural journals, the distinction between quality and quantity-oriented works, and between artistic and vulgar works, are blurred and uncertain. Unfortunately, architectural criticism in our country is a second-rate (or inferior) practice compared to design. Badges, awards and appreciation all go to designers. In spite of the fact that nobody denies the influence of good criticism on architectural progress and that all distinguished designers today owe part of their success to the coverage their works have received in newspapers, magazines, radio and television, still no organization has accepted the role of acknowledging and rewarding valuable critiques. The judgment process in architectural competitions (with its decisive role in creating movements and diverting the public taste towards a better architecture) is in itself of the same essence as architectural criticism.

It is clear for all how architectural criticism has its basis in cultural motives, and as such, deserves more cultural appreciation and recognition than design as a discipline. A designer

یک طراح از جهات مختلف نیازمند منقد خوب است: استعدادش در اوایل فعالیت حرفه‌ای تشخیص داده شود، ارزش کارش شناسایی شود، نقاط قدرت و ضعف کارش به او گوشزد شود، کارش به دیگران معرفی شود، در تدوین متون توضیحی پروژه برای ارائه به کارفرما و مسابقات و همچنین انتشار در کتاب‌ها و مجلات از متون نقد توصیفی مثبت استفاده کند. کار منقد دفاع از معماران خوب و مقابله با رقبای آنها است و در ازای این کار بسیار پرمسئولیت پاداش معنوی و مادی بسیار ناچیزی دریافت می‌کند. معماران خوب هم به فکر مطرح کردن خود هستند و قدرشناسی آنان از نقد خوب و حمایت‌های معنوی منتقدان، در بهترین شرایط (که زیاد هم اتفاق نمی‌افتد) یک تشکر است.

به هر صورت، با توجه به اینکه ایجاد بازار کار اقتصادی برای منقد از عهده معماران خارج است، نوعی شناسایی فرهنگی افراد کوشا و مؤثر از ضروریات حرفه‌ای و اخلاقی است. منقد معماری به دنبال تشکر فردی کسی نیست، بلکه چون تفکرش نسبت به حرفه انتقادی است، نیازمند ارزیابی تخصصی آثارش و قدردانی از آنها (البته در صورت ارزشمند بودن) توسط یک نهاد فرهنگی است. منقد هم، همچون طراح در جو رقابت و

در ایران پس از انقلاب، از اوایل دهه ۷۰ رقابت‌های معماری و در قدم اول مسابقات طراحی، رواج یافتند و به رغم نقدهای فراوان متخصصان این حرفه به روش برگزاری و داوری اغلب مسابقات، طراحان و کارفرمایان، هر روز بیشتر از روز قبل، از نهاد مسابقه استقبال کرده‌اند. حجم وسیع ساخت و سازی که در این سال‌ها بدون توجه به معیارهای کیفی معماری صورت گرفت و پناه آوردن معماران پیشرو به مسابقات طراحی، جوایز و پروژه‌های محدود کارفرمایان خاص، موجب شد معماری به سوی عملگرایی متمایل شود و جنبه‌های نظری و ادبیات معماری مورد توجه کمتری قرار گیرند. امروزه که حتی گاه در مجلات معماری مرز کارهای کمی و کیفی، بازاری و هنری مخدوش و نامشخص است، نقد معماری خوب جایگاهی ویژه دارد. متأسفانه این نقد در کشور ما کاری در رده دوم اهمیت (و یا کمتر) نسبت به طراحی است. ستاره‌ها، جوایز و قدردانی‌ها صرفاً متوجه طراحان است. اگرچه کسی منکر اهمیت و تأثیر نقد خوب در پیشبرد معماری نیست و تمامی طراحان مطرح امروز بخشی از موفقیت خود را مدیون کشف استعداد و نقد مثبت آثارشان در روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون و رادیو هستند، هنوز نهادی پیدا نشده که نقدهای خوب را شناسایی و مطرح بکند. داوری مسابقات هم که در جریان‌سازی و هدایت سلیقه عموم به سوی معماری برتر نقش سرنوشت‌سازی دارد، فعالیتی از جنس نقد معماری است.

یکی از علل عدم توجه به نقد و تأکید بر طراحی، ناشی از برتری پیام‌های بصری نسبت به مفاهیم نوشتاری در عصر حاضر است. این موضوعی است که دست کم در ایران سابقه تاریخی چندانی ندارد. ایرانیان در گذشته برای اسناد مکتوب بیشتر از ترسیمات اهمیت قائل بوده‌اند. به همین دلیل کتاب‌های مصور در ایران قدیم بسیار اندک بوده‌اند. امروزه توجه اندک به نقد موجب شده از یک طرف عده کمی به این تخصص رو آورند و از طرف دیگر کسی، مگر به دلایل صرفاً شخصی، نگران کیفیت مطالب انتقادی و نظری‌اش نباشد. نقد هم مانند طراحی به ایده، خلاقیت و تخصص نیاز دارد و نقد خوب، همچون اثر خوب معماری، پدیده نادری است. حرفه نقد و نظر هم پاسخگوی نیازهای کسانی که عمر خود را وقف این کار کرده‌اند نیست. حق الزحمه نقد به صورتی است که اگر کسی نقد را به عنوان حرفه برگزیند فقیر خواهد شد. به این ترتیب منقدین ما ناچارند بخش کوچکی از عمر خود را صرف این کار کنند و زندگی خود را از راه دیگری بگردانند. اگر منافع نقد برای منقد ناچیز است در عوض آسیب‌های ناشی از آن بسیار زیاد است. اگر قدردانی از نقد مثبت در نهایت به یک تشکر لفظی ختم می‌شود، در عوض نقد منفی برای نویسنده اغلب عواقب منفی بسیار طولانی در پی دارد. ما که خود را حامی فرهنگ معماری می‌دانیم، از خود پرسیم تاکنون چه اقدام مثبتی برای تشویق، حداقل معنوی، آثار خوب انتقادی انجام داده‌ایم؟

مشخص است که نقد معماری انگیزه‌های فرهنگی را دنبال می‌کند و به همین دلیل بیش از طراحی به قدردانی و شناسایی فرهنگی نیاز دارد.

needs a good critic for various reasons: so that his talent is noticed in the beginning of his professional career, the quality of his buildings is recognized, the weak and strong points of his work is pointed out to him, his work is introduced to others and that he can use the descriptive parts of a good critique for presenting his project to clients and competitions or to use it in books and journals that address his work. A critic's duty is to defend good architects against their competitors. In return for such a heavy responsibility, he receives little material and spiritual compensation.

However, considering the fact that providing financial support for critic is not among the duties of architects, creating a kind of cultural recognition for active and influential critics is a professional and ethical necessity. Due to his critical attitude towards architecture, an architectural critic does not seek appreciation and gratitude from individuals rather needs a professional evaluation and appreciation of his work (in case it is a valuable one) by a cultural institute. Just like designers, critics develops in an atmosphere of competition and encouragement. Existence of good criticism is vital to progressive design and we all need to pay more attention to valuing good criticism.

While good criticism should be rewarded, irresponsible and weak writings in the field should also be spotted and discouraged. In our current situation where anybody can write whatever he likes on architecture and even criticize valuable architecture or propagate a bad one, true criticism can play a useful and effective role. In Iran, there is no syndicate to organize or support critics, nor any cultural awards for it. Although the awards for criticism in other countries are not as numerous as design awards, they exist and are very important.

در زمینه معماری تعریف کرد. جایزه می‌تواند به یک اثر و یا به عملکرد علمی یک فرد در طول عمر حرقه‌اش تعلق گیرد. دیگر زمینه‌هایی که می‌توانند در کنار نقد قرار گیرند و هر کدام در گروه خود قضاوت شوند، مستندسازی معماری، تاریخ‌نگاری معماری، تئوری و ترجمه هستند. از آنجا که احتمال دارد سازمانی حاضر نشود برای ادبیات معماری هزینه کند و احتمالاً معماران هم که از کار نقد و نظر معماری مستقیماً نفع برده و می‌برند در این مسیر خرج نخواهند کرد، بهتر است جوایزی بدون مبلغ، از نوع تقدیرنامه که هزینه‌ای ندارند تهیه شوند و بدون مراسم و تشریفات به عده‌ای از محققان که استحقاق تشویق دارند داده شوند. امیدوارم در این کشور پهناور گروهی پیدا شود که حداقل یک قدردانی مجانی از نویسندگان رشته معماری، خصوصاً از نسل جوان که به تشویق نیاز بیشتری دارد به عمل آورد.

تشویق رشد می‌کند. رشد نقد خوب برای طراحان ترقی‌خواه امری حیاتی، و ضروری است همه به ارزش‌گذاری نقد خوب توجه بیشتری کنیم. در کنار قدردانی از آثار انتقادی خوب، باید نوشته‌های ضعیف یا بی‌مسئولیت شناسایی شوند و مورد نقد قرار گیرند. در شرایط امروز که هر کسی می‌تواند هرچه می‌خواهد در مورد معماری بنویسد و حتی معماری واجد ارزش را به باد انتقاد گیرد، یا معماری بد را تبلیغ کند، نقد صحیح می‌تواند نقش مفید و مؤثری را ایفا کند. در ایران نه شکل صنفی برای سازماندهی و حمایت از کسانی که کار نقد انجام می‌دهند وجود دارد و نه جوایز فرهنگی نقد. اگرچه جوایز نقد در دیگر کشورهای جهان هم به فراوانی جوایز معماری نیستند ولی وجود دارند و بسیار هم مهم هستند. از میان جوایز نقد می‌توان به چند نمونه زیر اشاره کرد:

1- Pulitzer Prize for Criticism

از مجموعه جوایز بسیار مهم در آمریکا در زمینه روزنامه‌نگاری، ادبیات و آهنگ‌سازی است که نزدیک به ۱۰۰ سال سابقه دارد. یکی از جوایز سالانه پولیتزر به نقد اختصاص دارد. برنده سال ۲۰۱۴ یک نقد معماری به قلم Inga Saffron بود.

2- Geert Bekaert Prize for architecture criticism

جایزه‌ای است که هر دو سال در کشور هلند به بهترین آثار نقد معماری تعلق می‌گیرد.

3- Simon Mari Pruyss Prize for design criticism

جایزه دیگری است که هر دو سال در کشور هلند به بهترین آثار نقد معماری تعلق می‌گیرد.

4- PARC MAXXI

جایزه‌ای است در ایتالیا که سالانه به بهترین آثار تاریخ‌نگاری و نقد هنری ایتالیا (که معماری را نیز در بر می‌گیرد) اهدا می‌شود.

5- Premio Bruno Zevi

جایزه سالانه به یادبود منتقد و مورخ شهیر معاصر ایتالیا، برونو زوی است. این جایزه به بهترین آثار انتقادی-تاریخی معماری معاصر داده می‌شود.

6- International Union of Architects' triennial prize

جایزه سه سالانه نقد، تئوری و آموزش معماری

7- BDA-Preis für Architekturkritik

جایزه برای بهترین آثار نقد معماری در آلمان

این بحث برای کشور ما تازگی دارد و چون مایل نیستیم این صحبت‌ها در حد گلابه‌های فردی باقی بمانند، در ادامه می‌خواهم در مورد زمینه‌های عملی تحقق این ایده توضیح دهم. اولاً همان‌طور که در مورد جوایز معماری اتفاق افتاد، جایزه نقد نمی‌تواند از یک اقدام بزرگ و پرهزینه آغاز شود. در حال حاضر در کشور ما منتقد و آثار انتقادی به تعداد کافی وجود ندارند که جایزه و رقابت شایان توجهی را تغذیه کنند ولی برای شروع می‌توان مجموعه جایزه‌ای را برای ادبیات و یا به عبارتی همه آثار نوشتاری